

مبادله

بحث اقتصادی

در جنس و متاع دو خصوصیت عمده موجود است ، اول برای که لازم بوده و چه اندازه ارزش مصرفی دارد ، دوم چطور می توان او را به جنس دیگر یا به پول که يك نوع جنس محسوب می شود ، تبدیل نمود قسمت ثانوی اساس مبادله را تشکیل میدهد و از هر جهت با اولی مربوط است زیرا جنسی که برای هیچکس و هیچ چیز لازم نباشد نمی توان آن را با جنس دیگر یا با پول مبادله کرد و اگر بهتر بگوئیم جنسی که ارزش مصرفی ندارد ، نمی تواند ارزش تبدیلی داشته باشد .

مصرف در علم اقتصاد چندان قابل اهمیت نبوده و اساساً آنقدر ها طرف مذاکره نمی باشد ، برای آنکه معلوم است يك متاع وقتی مصرف نداشت ، طبیعتاً تهیه نشده و از بین خواهد رفت ، ولی مبادله بکلی علیحده است . آن روز یکی عمر معیشت طبیعی سپری شد و پول قائم مقام آن گردید یا بکلمات دیگر وقتی که محصول ، برای استعمال شخصی بدست نیامده ، مانند ثروت و برای فروش تهیه شد ، مبادله بوجود آمد منتهی در هر دور و زمان به اشکال مختلفه صورت عمل بخود می گرفت : مبادله جنسی ، نقدی ، آزاد ، معتقد و غیره .

مبادله در عهد قدیم بطوریکه تاریخ نشان میدهد ، ملل سواحل خلیج فارس هلپن و آسیای صغیر ، قدیم ترین ملت هائی هستند که تجارت کناره های بحر مدیترانه و با مبادله بین سه قاره آسیا اروپا و آفریقا را بخوبی شناسانده بودند و از آن پس فنیقی ها ، کارناژی ها و رومی ها این رل عمده را بازی میکردند .

در این اوقات ، مبادله تقریباً بشکل مبادله آزاد بود زیرا معتقد بودند که چشم طمع به ثروت تجار درختن نتیجه میشود که ریشه تجارت از مملکت قطع شود و مردم بفقیر مبتلا گردند و بر روی اثبات نظریه

خود دلیل می آوردند عملیات بعضی از سلاطین و فاتحین را که در صدد آزار ناجر ها بر آمده و بالاخره آنان را وادار بمهاجرت کردند و باین لحاظ مبادله و یا تجارت آزاد را از جمله واجبات مملکت داری و جزء حقوق مدنی و سیاسی می پنداشتند مدتها این اصول جریان داشت هر کس می توانست بهر کجا مال التجاره ببرد و در عوض هر گونه مواد خام یا مصنوع و یا سکوک بیاورد ، فقط مبلغی بنام عوارض ورودی و خروجی که بعد ها بنام حقوق گمرکی موسوم گردید می پرداختند ، دیگر کسی را بکسی تعرضی نبود .

مبادله
دور زمان
جدید

بعد از انهدام امپراطوری روم و اختتام جنگ های ابتدائی قرون وسطی ، اولین مملکتی که در اروپا (۱) مجدداً

بیرق تجارت را در قبه دو شهر معروف و معتبر خود (و نیز و فلورانس) باهتزاز در آورد ، ایتالیا بود . از آن پس اسپانیدول و پرتقال و هلند باجمله انگلیس و فرانسه ، هر یک در اثر تجارت که در این دوره ، همه جا با اصول ظلم و زور پیش می رفت ، ثروت های هنگفتی تهیه نمودند لیکن با این وصف مفهوم معامله ، هنوز مصداق کامل خود را نگرفته بود و زور مندان واقعی به قانون رسد و استند نمی گذاشتند و هر وقت بهر عنوان از هر کس پول گرفته و روی آن اسمی وضع میکردند .

در اواسط قرن هفدهم در فرانسه برای شکست دادن به تجارت هند و انگلیس ، تصمیم گرفتند بنام حفظ امتعه داخله ، ابتداء از اجناس وارده با کشتی های خارجه و سپس از ورود متاع خارجی جلوگیری بعمل آورند این جلوگیری اگر چه باعث جنگ و خون ریزی و ضایعات فوق العاده

(۱) اگر چه بعد از اسلام ، مسلمانها در مدت سلطنت بنی امیه و قسمت اکثر خلافت عباسیان و از آن به بعد ، ایرانها در زمان سلاطین صفوی ، تجارت بنا رونقی داشتند ، ولی چون شرح مبادله مقصود است ، اینست که از ذکر تاریخ تجارت صرف نظر می شود

محصول فرانسه گردید ولی برای رشد مواد صنعتی مملکت مزبور بهترین وسیله بشمار رفت. از آن پس در انگلستان در نتیجه شورش که بواسطه قانون غلات (۱) Corn law ظاهر شده بود و در اثر تبلیغات مجدانه ریشارد کوبدن Richard Cobden عالم معروف به علوم اقتصادی قانون مبادله آزاد LibreEchange رسماً اعلان و اجرا گردید و چون انگلیس ها از جهت زیادی سرمایه و محصول، رتبه اول را احراز کرده بودند، به این واسطه با اصول مبادله آزاد، منافع فراوانی برده و ضمناً خود را در همه جا طرفدار آزادی تجارت معرفی کردند.

در خلال این احوال، سرمایه داری (۲) ترقی می کرد و با اینکه مورد احترام و اهمیت نبود، بتدریج رشد مینمود و قانون مبادله نیز هر روزه جلو رفته تکمیل و تکمیل تر میگردد. بالاخره سرمایه باوج خود رسیده و زمام را در دست گرفت در این موقع است که اصول اقتصادی طرف مباحثه و برای آن کتابها تدوین گردید و همچنین در همین موقع است که منفعت سابق حرص سرمایه داران را تأمین نمیکرد زیرا دنیا را به تزلزل در آورده و آنها تقریباً عوض کرده و بطرف

- (۱) زمین دارها و اربابان مملکت در انگلستان در تحت حمایت قانون مذکور در سر حاصل، غلات بازارهای داخلی و خارجی را خرید و انبار کرده و در آخر حاصل به قیمتهای گزاف میفروختند و این طریق، غالباً باعث قحطی و گرسنگی میشد.
- (۲) باید دانست که مراد از سرمایه داری در اینجا سرمایه داری خصوصی نبود، بلکه ذکر جامعه است که تولید و تهیه ثروت را زوی فراهم کردن اجناس بسیار یعنی بطوریکه معلوم است جمع آوری محصول زیاد برای فروش استوار کرده است، در اینصورت نباید آنرا با سرمایه داری خصوصی توأم نمود. اگرچه در ابتداء این دو، تقریباً مترادف با یکدیگر بوده اند، ولی با توسعه سرمایه داری از هم منفک شده اند و امروزه، مفهوم سرمایه داری و سبتر از مفهوم سرمایه داری خصوصی است و دومی فقط یک شکل از قسمت اولی را تعرفه مینماید.

نیخنیك سوق داده بودند بنا بر این مبادله مقید *Protectionnisme* با تمام معنی بصورت عمل در آمد و آن بطوریکه از معنی لغوی کلمه استنباط می شود رسماً وقتی شروع گردید که دول مستعمرانی خواستند در رقابت با یکدیگر ، عقب نمانده و پیش رفته باشند و باین مناسبت ، امتیازی به نام حمایت از ثروت مملکتی و امتعه داخلی برای اجناس ورودی و خروجی قائل گردیدند و بر روی همین اصل تعرفه های گمرکی نوشته شد بطریقی که از يك طرف منافع مستعمره و دولت استعمار کنندنده در ممالک یکدیگر محفوظ میماند و از طرف دیگر تا جایی که ممکن بود از تجاوز و ترقی دولت ثالث در هر دو مملکت فوق الذکر جلوگیری میشد به اینطور که اگر يك مملکت مثلاً کار خانه چیت سازی داشت و می توانست بمقدار کلی چیت حاضر نماید ، سعی میکرد ورود چیت خارجه را چه در مملکت و چه در بازار و مستعمره خود منع نماید و بهترین طرز منع کردن ، منع با تحمیلات زیاد گمرکی بود که برای خریدار صرف نکرده و طبعاً از ورود آن جلوگیری میشد . اگر چه این راه ، يك راه مستقیمی برای جلب نفع بشمار نمیدرفت و طریقه مستقیم آنزئید سرمایه ، تجزیه و انفکاک کامل ثبات کار ، تکمیل وسائل و غیره بود که در نتیجه ، خوبی کیفیت و ارزانی مقدار را باعث میشی گردید ولی چون بعضی از ممالک فاقد یارده شرائط مذکوره بودند باین مناسبت ممکن بود در مبادله آزاد شکست خورده و از بین بروند ، لذا تعرفه گمرکی با اصول پروتکسیونیزم (مبادله محدود و مقید) تنظیم و تدوین گردید و باین وسیله صنایع داخلی روز بروز ترقی کرده و رواج گرفت .

مبادله در ایران
 اصول مبادله در ایران بطوریکه محسوس است ، در اثر تدوین تعرفه های گمرکی از يك طرف ، تقریباً شبیه بمبادله آزاد و از طرف دیگر کاملاً ب نفع دول سرمایه دار جریان داشته و بهیچوجه قادر

به رشد و ترقی امتعه داخلی نمیباشد و تقریباً کلید این مخزن ثروت طبیعی [مملکت ایران] را بدون هیچگونه شرط به دست سرمایه داران خارجی تسلیم نموده و در عین حال به استقلال مملکت، رخنه وارد کرده است زیرا در قاموس سیاست امروزی، يك مملکت وقتی مصداق استقلال واقع میگردد، که استقلال اقتصادی داشته باشد. امروز اگر سرمایه خارجی بخواهد با هريك از صنوع و محصول مملکتی رقابت نماید، قادر است آن را بکلی از بین برده و محو نماید ولی چون، این گونه رقابت، مخالفت با طریقه جلب نفع میباشد، این است از اعمل آن تا حدی خود داری میشود. پارلمان عوض آنکه نظر خود را باین نحو از قضایا معطوف و فکری برای امتعه داخلی نماید، قانون استعمال البسه وطنی را برای مستخدمین دولت وضع نمود و باید گفت با این قانون، کاری که کرد، فقط يك عده مردم را از جریان معاملاتی دور و بطرف ور شکستی نزدیک ساخت، زیرا برای ما که اکثراً مردمی انکلی هستیم، احساسات را مشتری قرار دادن و آن را بقانون پارلمان متکی کردن و در حقیقت معامله را روی عقیده و عواطف گذاشتن، کافی است از اینکه طرز استحصال و فروش مباح را اصولاً از نظر ما دور کرده و هستی اندک ما را در معرض رقابت سرمایه های کلی جای دهد. بنا بر این تجدید نظر در تعرفه گمرکی و تنظیم آن بطریقی که بتواند امتعه ملی و مملکتی را ترقی دهد و یا لا اقل منع ورود اشیاء غیر ضروری بوسیله قوانین شهری و تحمیل مالیات گزاف بلدی، باید یکی از آرزو های اجتماعی ما بوده و در انجام آن بذل مساعدی شود.

محمد علی گیلک